

رفتار انسانی مسلمین

اثری که رفتار و عمل، در افکار و روح دیگران دارد غیر از تأثیر گفتار است. تأثیر گفتار آنی و زودگذر است ولی تأثیر عمل ریشه‌دار و عمیق است و لذا از قدیم گفته‌اند: دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

روی همین اصل است که آئین مقدس اسلام، به پیروان خود دستور میدهد: پیش از آنکه مردها با گفتار دعوت به حق کنند، با عمل اقدام به اینکار نمایند. امام صادق (ع) در این باره میفرماید: «مردم را با غیر زبانان بسوی حق و فضیلت دعوت کنید تا از شما پرهیزکاری و کوشش در راه خدا و نماز و کارهای نیک مشاهده کنند، بدینوسیله است که این روش سرآیند دهنده‌تر است» (۱)

اسلام، از گفتار بدون عمل، شدیداً نفی میکند و چنین کاری را گناه بزرگ می‌داند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا آنچه را می‌گوئید بدان عمل نمی‌کنید، البته کسانی که سمت رهبری و ارشاد جامعه را به عهده دارند، در این زمینه مسئولیت بیشتری دارند و بایستی از هر جهت وارستگی داشته باشند.

علی (ع)، در آنجا که در باره وظائف رهبران جامعه سخن می‌گوید، به این اصل تصریح میکند: «و کسیکه خود را پیشوای مردم قرار دهد، بایستی پیش از آنکه به تعلیم دیگری به بردارد، به تعلیم خویش اقدام نماید، و پیش از آنکه مردم را بازبان ادب کند یا کردارش (۱) کونوا دعاه للناس بغير السنتم ليروا منكم الودع والاجتهاد و السلوة والخير فان ذلك داعية اصول کافی ج ۲ ص ۷۸).

(۲) «با ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تقولون کبر مقتاً عند الله ان تقولوا مالا لاتقولون» (سوره صف آیه ۲-۳)

ادب نماید، کسیکه خویش را می‌آموزد و تربیت میکند، به احترام سزاوارتر است از کسیکه معلم و مربی دیگران است» (۱)

و نیز هنگامی که من‌شود «عثمان بن حنیف»، فرماندار اودر سمره به مهمالی جوانی از مردم آن سامان می‌رود که انواع غذاها و خورشها دسر سفرهای موجود بوده، توانگران در آن جا حضور داشتند ولی از قرا، و مستمندان احدی در آن مهمالی شرکت نداشتند، نامه تنوعت‌آزمیزی به او می‌نویسد و از اینکارش که موجب اختلاف طبقاتی و برانگیختن خشم طایفه بی‌توان نسبت به توانگران است، شدیداً نکوهش میکند. آنکارا وظیفه رهبران جامعه را در پیشقدم بودن در کارهای نیک و دوری جستن از ذلتها اینطور بیان میکند:

آگاه باش، هر پیروی کننده را پیشوائی است که از او پیروی کرده به نور دانش او روشنی می‌جوید.

بدانکه پیشوای شما از نپای خود، به دو جامعه کهنه و از خوردنیهایش به دور قرص‌نان اکتفا کرده است، گرچه شما به چنین رفتاری توانا نیستید ولی مرا با پرهیزگاری و کوشش در راه خدا و پاکدامنی و درستکاری یاری کنید، به خدا قسم از نپای شما طلا نپاودخته و از فضیلتهای آن، مال فراوانی ذخیره نکرده و با کهنه جامه ای که در دیر دارم جامه کهنه دیگری آغشته ننموده‌ام» (۲)

اسولاً در مزابی که پیامبران و پیشوایان مذهبی (امامان) از نظر اسلام، باید از گناه و خطا و نسیان، معصوم باشند، روی همین اصل است، چون اگر گفتار آنها با رفتارشان متعلق نباشد، در آنصورت بجای آنکه مردم را ارشاد کنند، اضلال خواهند کرد.

ابلاغ رسالت جهانی اسلام

آنجا که اسلام یک آئین جهانی است و همه مسلمانها موظفند در ابلاغ این رسالت عظیم بکوشند و از رهبری و ارشاد دیگران کوتاهی ننمایند (۳) از اینجهت بر مسلمین لازم است پیش از آنکه مردم را با گفتار دعوت به اسلام کنند، با رفتارشان این رسالت جهانی را ابلاغ نمایند.

(۱) من نصب نفسه للناس اماما فقلبه ان یبدأ بتعلم نفسه قبل تعالیم غیره ولیکن تأدیبه بقرینه قبل تأدیبه بلسانه و معلم نشه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم (نهج البلاغه عهده ج ۳ ص ۱۶۷)

(۲) نهج البلاغه فیض الاسلام ص ۹۵۷.

(۳) کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله (سوره انفص آیه ۱۱۰)

بدین است که همه مردم نمیتوانند سیمای واقعی دین را با ملاحظه بیعتون اصلی آن بدست بیاورند بلکه معمولاً مردم اسلام را از دریچه رفتار مسلمانها می شناسند . بنابراین هر کدام از مسلمانها باید یک « قرآن ناطق » و یک « اسلام متحرک و زنده » باشند . گاهی یک رفتار انسانی از پیرو یک آئین بقدری در انسان اثر میگذارد که بعدها نوشته و سخن نمیتواند یکسدم آن اثر را داشته باشد چه با باعث گرایش به آن کیش و مذهب دیگر و برعکس ، گاهی یک عمل غیر انسانی سبب میشود فردی را گروهی برای همیشه نسبت به آئینی بدبین باشند و تا آنجا که دشمنان بپرند بر ضد آن ، سم پاشی و موشک دوانی نمایند .

شما اگر درست به اعتراضات کسانی که با دین ابراز مخالفت و دشمنی میکنند ، دقت نمائید ، خواهید دید که ۹۵ درصد آن اعتراضات ، متوجه پنداران است نه خود اصل دین . مثلاً بارها دیده شده که میگویند : اگر این دین ، سادت بخش و دست است ، پس چرا فلان حاجی ، فلان معلم ، فلان سجده ، فلان بازی ، فلان نماز خوان ... چنین و چنان میکنند این دین او را هدایت نکرده و از دشمنها یارش نداشته است ؟ فراموش نمیشود ، یکی از روحانیون مجاهد و پرورگ ، میگفت : وقتی به کتری حاصل و آزادیخواه گفتم : شما با این همه کمالات و روشن بینی که دارید ، چرا اصرار میکنید ؟ او در جواب گفت : شما یک فلان شخص شما میخواهد ، من حاضر نیستم آن را از او بخواهم !!

گرچه این بیان ، صحیح نیست زیرا قوانین فقهی و دین چیری است ، اعمال و رفتار مسلمان چیر دیگر . عمالطوری که عمل نکردن شخص مریض بر طبق نسخه دکتر حادثی از تهاطی با حذافت دکتر و تشخیص و مؤثر بودن نسخه او ندارد ، عمل نکردن بعضی از پیروان اسلام نیز ، از تهاطی با اصالت و درستی آن نخواهد داشت .

و این اشتباه از آنجا پیدا شده که اینها قضیةا عرضی گرفته ، بیجوب و دشمنی کردار پیروان اسلام را به حساب خود آورده اند ، در صورتیکه این حساب ، از نظر مردم واقع بین ، بسیار نادرست است .

امام هرسورت ، همانطور که رفتار انسانی مسلمین ، خاصیت کشنده می و جذب دارد ، رفتار ناعلمجارشان نیز ، اثر سوء و خاصیت دفع داشته مردم را نسبت به اصل دین بدبین خواهد کرد . سایه سی تأسف است که بایستی ما شده و سید جمال الدین اند آبادی ، اعتراف کنیم که ما اکنون « **الاسلام محجوب بالمسلمین** ، اسلام واقعی وسیله مسلمین پوشیده شده و در افق پنهان مانده است !!

اینست که امام صادق (ع) ضمن حدیث مفصلی میفرماید : « **كُونُوا الْمَارِئِيَّاتِ وَلَا تَكُونُوا شَيْئاً** » (۱) یعنی : بارفارتان سایه آبروی ما باشید نه سایه سرکشنگی . در شماره آینده رفتار انسانی مسلمین صدر اسلام را که از عوامل مهم پیشرفت این آئین مقدس بود مورد بررسی قرار داده از منن تاریخ و گفتار بیگانگان استقهاد خواهیم نمود .